

عقد است به اجابت نیاز است.

به براضی به اصولاً امکان پذیر

تقسیم

به توافق
منی شود

محجور

متر دین شوگاه

غایب

تقسیم با حضور غایبندگان آن ها در دادگاه

اجباری به در دادگاه

تقسیم اجباری (توافق شدہ - دارگاہ)

① تقسیم ماری ← افراز ← دراصل تجزیہ پذیری شود ~~خلانہ~~

افراز اصل غیر متحول ←

ملکی کہ جریان کسی خاتمہ یافتہ ہے درصلاص ادارہ
اگر ادارہ بہ نسبت قابل افراز نیست ہے ہر دو در دارگاہ

ملکی کہ جریان کسی خاتمہ نیامدہ ہے افراز درصلاص
دارگاہ کل وضع ملک

② تقسیم از طریق تعدیل - مال قابل افراز نیست .

۳۱۶ اصولی (تبدیل های ساده از کاظمی) - نامه نیست - تجزیه پذیر نیست -

صنوبر
+
۳ سله طلا

پیرایه
-

کی کدام دسته را برگزیند ؟
پس اول به توافق
توافق نکردند .
پس دوم به رای

نمی توان اجبار کرد

② تقسیم به رد

۱- به به سمت سرور



+۱..

۳..



-۱..

۳..

تقسیم به پنج های مساوی

از کلمات به امکان پذیر نیست.

④ تقسیم از طریق فردی

حاصل فردی

مال مشاع را می‌فروشند پولش را بینت هم

شرکاء تقسیم می‌کنند

فردی به طور عاری

(به ازای از شرکاء هم درخواست مزایه‌کنند)

↓
باید از طریق مزایه

ماده ۹۰۲ ← اگر مال متعلق به غیر، در ابرال تقسیم شده باشد.

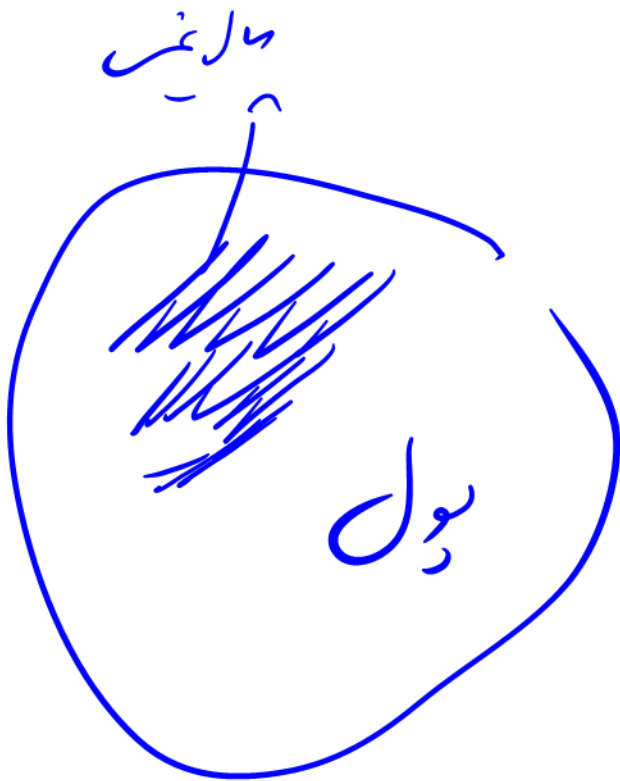
در عام حصها ← مفرداً به بنیادی تقسیم صحیح

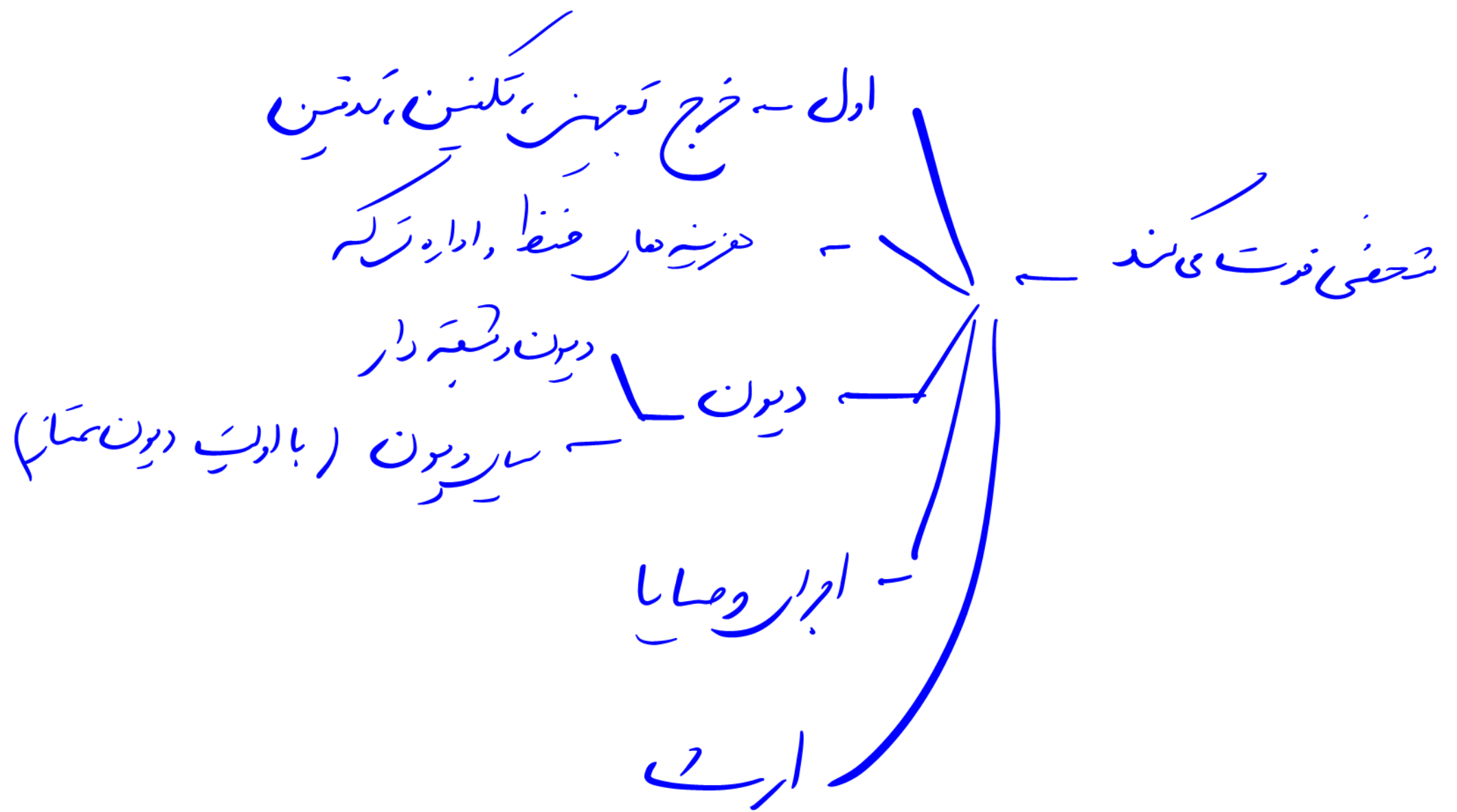
↓
در غیر این صورت ← تقسیم باطل

مفرد ز آب ستاری



در غرض این صریح به تنظیم باطل







معاملات اداری (رای فضا دار و رکه) به صبح و نامند
 که قبل از دو گام - پولس را از کتبه بریدیم

احمال صوتی

انتقال مالک
 عین
 مثل بیع ..

معاملات نامکه (انتقال) نسبت به عین
 که غیر نامند - تنفیذ طلبکاران
 پرداخت دیون طلبکاران

قبل از پرداخت
 دین و صوتی

بین درات

تقسیم کرد قبل از پرداخت دیون - صبح

طلبکار به ترتیب از ورش به نسبت سهم الارث و مراصبه می کنند

اگر کسی از ورش معسر بود به ی تواند به سایر ورش مراصبه کند.

محایات ← عقد
لے صما یا توافق
اجباری یعنی سود

تقسیم منافع بدون تقسیم خود مال منافع

براساس زمان
زمستان - مکی از شرکاء استناد لند
تابان - مکی در شرکاء استناد لند
استناد
براساس مکان -
اتاق ها - مکی از شرکاء
حمام - شرک - دیگر

خيارات ←

خيار ← وضعیتی کہ بہ ماہق منفعی دھد.

دلم
بعد از عقد می خیری

فرارداری ← در قرارداد، شرط خیار درج شدہ. ← خيار شرط

قانونی ← حکم قانونگذار ۳۹۶ - اسام خارات

خيارات اصولاً به ارث می رسد

به خيار شرط برای ثالث به اصولاً به وراثت ثالث نمی رسد.
می شود خلافت آن توانمند کرد

استثناء به

به خياری که طرفین، قصد مباشرت کرده باشند

یعنی توانمند کرده اند به وراثت برسند.

خيار مجلس ← مختص عقد بيع

که تا قبل از این به جدا شوند طرین ها کوانند
عقد بيع را منقض کنند .

اگر خيار مجلس به وراثت يرسد ؟ به بايد صحه وراثت در مجلس عقد
حاضر باشند .

انتقال خیارات بہ وراثت

لے از باب تائید مقامی

بہ عہد وراثت ی رسید ہے صحتی بہ زودہ در احوال عمر منتقل

یا احمد یا احمد فسخ ی کنند

بہ صورت عام حمیدی

یا احمد (معالیہ سرچاسی)

صی آرریک تفرازورات نحواعد فسخ نند

↓ معالده سرچاش

کایا حق نسخ را می شود اسقاط کرد ؟

صریحاً

↓ بله می شود —

ضمنی

صریح اسقاط کنیم.

من موبایل خریدم. الان هر سهمی که بخواهم بفروشم

خیال من دارم

اگر با علم به خیال من، بفروشم

یعنی به طور ضمنی من نسخ را اسقاط کردم

وقتِ اطلاع پیدا کردم به حیار دارم

مدت زیادی می‌گذرد ولی حق منفع خود را اعمال نمی‌کنم

معنی بی‌خیال حق فسخ شده‌ام

معنی اسقاط ضمنی

